



University of Shahid Beheshti
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.233109.1262>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.12.0>

Research Paper

Transformation of Iranian Social Customs during the Qajar Period (A Case Study of the New Style of Handshake)

1. Reza Bigdelou ^{id} / 2. Zeinab Ahmadvand ^{id}

1. PhD candidate in History of Islamic Iran, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(Corresponding author), Email: mn_moeini@tr.ui.ac.ir

2. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: a.jafari@tr.ui.ac.ir

Received: 2023/09/12 PP 247-264 Accepted: 2023/10/22

Abstract

The arrival of modernity and the new European culture in Iranian society had an impact on political, social and cultural structures and caused these structures to undergo certain changes. A large part of these changes affected the social and cultural sphere, especially the lifestyle and etiquette of Iranian society. One of the customs that went through change was the greeting, especially the tradition of shaking hands. This article aims to investigate the arrival, acceptance and significance of the new handshake as a sign of the modern and Western (so-called Farangi) style of greeting and human interaction using the descriptive-analytical method. The results show that following cultural interactions with Europeans and the spread of Western culture and customs, the Western-style handshake became popular in Iran from the Naserid period onward and the nature of the manner of handshake and its conceptual and semantic implications changed significantly. In this new way, the handshake became a common practice and it transformed from an etiquette reserved for special occasions and individuals into a wide-ranging social practice.

Keywords: Keywords: Handshake, Social customs, Iranian society, Qajar, Modernity.

Citation: Bigdelou, Reza, and Zeynab Ahmadvand. 2023. «Transformation of Iranian Social Customs during the Qajar Period (A Case Study of the New Style of Handshake)», Journal of History of Iran, Autumn and Winter, Vol 16, No 1, PP 247-264.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



دانشگاه شهیدبهشتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

مجله تاریخ ایران

سال ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۴۰۲
شاپا الکترونیکی: 2588-6916
شاپا: 2008-7357



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.233109.1262>

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.12.0>

مقاله پژوهشی

دگرگونی در آداب و رسوم معاشرتی ایرانیان در دوره قاجار (مطالعه موردی: دست دادن به سبک جدید)

۱. رضا بیگدلو / ۲. زینب احمدوند ^{ID}

۱. استادیار تاریخ، گروه اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: bigdelor@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ارومیه، ایران. رایانامه: z.ahmadvand@urmia.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ صص ۲۴۷-۲۶۴ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

چکیده

ورود مدرنیته و فرهنگ نوین اروپایی به جامعه ایرانی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیراتی بر جای گذاشت و این ساختارها را دستخوش تغییر و دگرگونی کرد. بخش بزرگی از این تغییرات در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه در سبک زندگی و آداب و رسوم معاشرتی جامعه ایرانی روی داد. یکی از این وجوه آداب احوال‌پرسی و به‌ویژه نماد دست دادن بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر آن است که این پرسش پاسخ دهد که دست دادن به عنوان نمادی از احوال‌پرسی و تعاملات انسانی به شیوه مدرن و «سبک فرنگی» از چه زمانی در جامعه ایرانی رواج یافت و چه دلالت‌هایی را به همراه آورد؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به دنبال تعاملات فرهنگی با اروپاییان و رواج فرهنگ و آداب غربی، دست دادن به سبک فرنگی از عهد ناصری در ایران رایج گردید و در شیوه و کیفیت دست دادن و دلالت‌های مفهومی و معنایی آن دگرگونی‌های مهمی رخ داد. در مفهوم جدید، دست دادن به کنشی عام تبدیل شد و از موقعیت‌ها و اشخاص و مناسبت‌های خاص به سطح اجتماعی عام‌تری راه یافت.

واژه‌های کلیدی: دست دادن، آداب و رسوم، جامعه ایرانی، قاجار، مدرنیته.

استناد: بیگدلو، رضا، و زینب احمدوند. ۱۴۰۲. «دگرگونی در آداب و رسوم معاشرتی ایرانیان در دوره قاجار (مطالعه موردی: دست دادن به سبک جدید)». مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۲۴۷-۲۶۴.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

دست انسان عضو بسیار مهمی در نمادسازی است. دست‌ها بیشتر از صورت و دیگر اعضای بدن نمایانگر احساسات درونی انسان هستند.^۱ چنانکه امروزه دست دادن انسان‌ها با یکدیگر به نمادی از آداب معاشرت و ردوبدل احساسات انسانی در جامعه تبدیل شده است. در بسیاری موارد نحوه دست دادن بازنماینده جایگاه طبقاتی، احساسات متقابل، سبک زندگی و روحیات فردی و اجتماعی مردمان است. دست دادن شکل تکامل یافته‌ای از ارتباطات غیر کلامی انسان‌هاست که با گسترش ارتباطات به نمادی جهانی در تعاملات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. دست دادن ژست/حرکت و نمادی جسمانی است که حامل لایه‌های فرهنگی و معانی و مفاهیمی است که بسیاری از موقعیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی را بدون آن نمی‌توان درک کرد. هرچند هنوز هم برخی از فرهنگ‌ها در مقابل همگانی شدن دست دادن برای احوال‌پرسی و خداحافظی و دلالت‌های دیگر آن مقاومت می‌کنند و نیز دست دادن بسته به شرایط مکانی و فرهنگی می‌تواند دارای معانی متفاوتی باشد، اما به یک حرکت جسمانی شایع در سطح فرهنگ جهانی تبدیل شده است. همچنین دست دادن در عرصه اجتماعی به مفهوم و نمادی برای انتقال احساسات و نگرش‌ها و نیز نشان دادن برابری یا نابرابری موقعیت اجتماعی و پایگاه طبقاتی تبدیل گردیده است.

علاوه بر این، دست دادن در عرصه سیاست و دیپلماسی به نمادی بسیار اثرگذار و معنی‌دار بدل شده است. دیدار و تماس ما با دیگران با دست دادن شروع می‌شود و پایان هر گفت‌وگویی ما با دست دادن است. در اصطلاح اجتماعی دست دادن را در آغوش گرفتن کوچک نیز می‌نامند.^۲ مردم با دست دادن به یکدیگر سلام می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کنند و خداحافظی می‌کنند. در واقع دست دادن نوعی ابراز محبت و صمیمیت است. در حالت دست دادن احساسات ما مثل میزان علاقه‌مندی یا بی‌توجهی، ناراحتی، اعتماد به نفس و غیره به راحتی به دیگری منتقل می‌شود. در زمان همه‌گیری بیماری کوید ۱۹ علاوه بر بهداشت و سلامتی انسان‌ها، آداب معاشرت و رسوم احوال‌پرسی و به عبارت دقیق‌تر فرهنگ دست دادن نیز دچار بحران شد. با این بحران ما دریافتیم که رسم دست دادن تا چه حد در بین ما انسان‌ها به امری شایع و روزمره بدل و معاشرت‌های ما تا چه اندازه به آن وابسته شده است. در اوج همه‌گیری کرونا حتی این احتمال داده شد که پایان این رسم فرا رسیده است، اما بلافاصله بعد از کم شدن این بیماری، دوباره دست دادن در معاشرت‌ها رواج یافت و این نشان می‌دهد که این شیوه از

1. D. B. Givens, *Nonverbal dictionary of gestures, signs and body language cues* (Washington: Center for Nonverbal Studies Press, 2002), p. 7.

۲. پویا ودایع، مهندسی زبان بدن (تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۳)، ص ۳۷.

احوال‌پرسی تا چه پایه دارای دلالت‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که بدون آن امکان بروز این معانی و مفاهیم کاهش می‌یابد و یا از بین می‌رود.

امروزه در بیشتر کشورهای جهان رسم دست دادن مهم‌ترین و بدیهی‌ترین شیوه و کنش در معاشرت و تعاملات به شمار می‌رود و بیشترین کاربرد و معنی و مفهوم را داراست. شکل امروزی دست دادن به این ترتیب است که دو دست در هم گره می‌خورند و تکان داده می‌شوند. در اکثر کشورهای انگلیسی‌زبان و البته دیگر کشورها، هنگام سلام و خداحافظی و در موارد متعدد دیگر این نماد به کار می‌رود.^۱ تبدیل شدن رسم دست دادن به نمادی مهم و پرکاربرد و دارای مفاهیم و دلالت‌های گوناگون در واقع پدیده‌ای مدرن است.

آداب و رسوم دیدار و احوال‌پرسی، از جمله دست دادن، به‌عنوان نماد مهم فرهنگی می‌تواند به یکی از موضوع‌های مطالعاتی در تاریخ فرهنگی تبدیل شود. با توجه به اهمیت و دلالت‌های عمده آداب دست دادن در زندگی امروزه، دگرگونی این نماد را می‌توان نوعی تحول در کلیت سبک زندگی تعبیر کرد. در ایران دست دادن پیشینه‌ای طولانی دارد و مصافحه به‌عنوان آیینی دینی دارای ارزش و جایگاهی مشخص در فرهنگ ایرانی است. البته طبق بررسی‌هایی که انجام شد، فرض بر این است که سابقه این شیوه احوال‌پرسی از دوره ناصرالدین شاه فراتر نمی‌رود. بنابراین، پرسش تحقیق این است که دست دادن به‌عنوان شیوه‌ای از احوال‌پرسی و معاشرت از چه زمانی مطرح شد و چه دلالت‌هایی را به همراه آورد؟ در باب پیشینه پژوهش باید گفت مقاله مستقل و منسجمی درباره موضوع دست دادن در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی نمی‌توان یافت. در آثاری که به موضوع زبان بدن و مهندسی بدن و تاریخ بدن انسان پرداخته‌اند، به کنش‌های بدنی انسان از جمله دست دادن و پیشینه این کنش‌ها و حرکات از منظر دلالت‌های مفهومی توجهی نشده است. در آثار و منابعی که در مورد شیوه معاشرت ایرانیان نوشته شده، دست دادن امری بدیهی و مرسوم پنداشته شده که همواره به شکل امروزی وجود داشته است. در مقاله «آیین احترام در زمان هخامنشیان و ساسانیان» از معینی‌سام (۱۳۹۱) به نماد دست در ادای احترام در ایران باستان اشاره شده، اما نشانه‌ای از اینکه دست دادن در این دوران رواج داشته یا نه، داده نشده است. در کتاب *ادبیات عامیانه ایران؛ مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم ایران* اثر محبوب و ذوالفقاری (۱۴۰۱) در مورد شیوه و معانی دست دادن مطلبی نیامده است. در پایان‌نامه‌هایی چون «بررسی آداب و رسوم اجتماعی ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار» (۱۳۹۹)، «بازتاب زندگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر ناصری» (۱۳۹۷)، «آداب و رسوم و سنن ایران عصر قاجار از دیدگاه سفرنامه‌ها و خاطرات اروپاییان» (۱۳۹۱) و «آداب و رسوم ایرانیان عهد قاجار» (۱۳۹۸) با وجود اینکه شیوه معاشرت،

۱. آلن پیس، باربارا پیس، چگونه با زبان بدن حرف می‌زنیم؟ ترجمه آذر محمودی و محسن جده‌دوستان (تهران: نشر اشاره، ۱۳۸۲)، ص ۵۸.

دیدار و مهمانی‌های ایرانیان توصیف شده، به موضوع دست دادن آنها اشاره‌ای نشده است. در زبان انگلیسی آثاری چند درباره چگونگی دست دادن افراد با یکدیگر دیده می‌شود. هرمان رودنبورگ و جی. ان. برمر، دو تن از مورخان تاریخ فرهنگی، در اثری با عنوان *A Cultural History of gesture* (۱۹۹۱) چگونگی رواج دست دادن به سبک جدید را در تاریخ اجتماعی-فرهنگی اروپا مطالعه و بررسی کرده‌اند. اثر دیگر مرتبط با موضوع، مقاله *An Anthropology of the Handshake* (۲۰۲۰) است که رسم دست دادن را از منظر انسان‌شناسی بررسی کرده و در مقدمه، بسیار کوتاه، به پیشینه آن پرداخته است.

با توجه به موضوع، روش این پژوهش از نوع پژوهش تاریخی است که به صورت توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین گردیده است. در نگاه تأویل‌گرایانه و معناکاوانه، فرهنگ چیزی جز نظام معناها یا نمادهای معنادار یا معانی نمادین نیست. در همین زمینه، تاریخ فرهنگی عمدتاً علمی تفسیری است که هدف آن یافتن معانی است. بنابراین، وظیفه اصلی تاریخ‌نگار فرهنگی استخراج معانی و نه قوانین علت و معلولی در تبیین است. پژوهشگر در این روش به تحلیل معانی و نمادها می‌پردازد و می‌کوشد مورد مطالعه را همچون یک متن تفسیر کند. در این رویکرد چیزی برای اثبات کردن وجود ندارد. برخلاف روش‌های کمی در علوم اجتماعی، در این روش هدف شناخت بخش کوچکی از کل یک فرهنگ است، شناخت پدیده‌های فرهنگی که نه قابل اندازه‌گیری هستند و نه قابل تعمیم. به همین علت تفسیر در اینجا در ریزترین و ظریف‌ترین موارد به کار گرفته می‌شود.

چهارچوب نظری

به اعتقاد پیتر برک یکی از دلایل مهم همگرایی تاریخ و نظریه اجتماعی، مطالعه تغییرات اجتماعی-فرهنگی سریع و فزاینده‌ای است که مورخان و جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان را وادار کرده است این تغییرات را در طول زمان و به صورت تاریخ‌مند مطالعه کنند. از جمله برآیندهای این همگرایی بین‌رشته‌ای تاریخ فرهنگی است. تاریخ فرهنگی با رویکردی بین‌رشته‌ای دو حوزه اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ را در تعامل با یکدیگر قرار داده و اهمیت فرهنگ را بیش از پیش برجسته و دارای اهمیت کرده است. به بیان دیگر، در تاریخ فرهنگی فرهنگ نه متغیر وابسته که متغیری مستقل است. تاریخ فرهنگی، به‌عنوان بخشی از فرایند چرخش فرهنگی، به معنای اهمیت یافتن فرهنگ در دانش‌های مختلف انسانی و اجتماعی مانند علوم سیاسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی است. رویکرد چرخش فرهنگی از نظریه انتخاب عقلانی رفتارهای حاکم بر علم اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به تأثیر ارزش‌های فرهنگی گروه‌ها بر رفتارهای کارگزاران تغییر

یافته است.^۱ در تاریخ فرهنگی مطالعه نمادین فرهنگ جایگاهی ویژه دارد. در این رویکرد بینش‌های فرهنگی از تلقی جامع تیئوری از فرهنگ آغاز گردیده و دوره‌هایی را پشت سر گذاشته تا سرانجام به نگاه‌های تأویل‌گرایانه و تفسیر‌گرایانه از فرهنگ رسیده است. در این دیدگاه فرهنگ چیزی جز نظام معنا یا نمادهای معنادار یا معانی نمادین نیست. بنابراین، تاریخ فرهنگی به تاریخ شناخت این معانی تبدیل شده است.^۲ این نمادها به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه در هر جایی، از هنرها گرفته تا زندگی روزمره، وجود دارند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد نقطه مشترک مورخین فرهنگی این باشد که تمام آنها با امر نمادین و تفسیر امر نمادین درگیرند.^۳ براساس این دیدگاه، کلیفورد گیرتز فرهنگ را «الگوی تاریخی انتقال یافته معنا تعریف می‌کند که در قالب نمادها تجسم یافته و نظامی از ادراکات موروثی است که در اشکال نمادین بیان شده و به واسطه آن، انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و شناخت و ایستارها و یا نگرش‌هایشان در مورد زندگی را تداوم و یا گسترش می‌دهند.»^۴ شهرت گیرتز به دلیل رویکرد خاصی است که وی به فرهنگ دارد و آن را با روش‌شناسی ویژه‌ای منتقل می‌کند:

مفهوم فرهنگ از نظر من یک مفهوم معنایی است و من همچون ویر بر این باور هستم که انسان جانوری است که درون تار و پودهایی معنایی که خود آن را بافته معلق است. به باور من آن تار و پودها فرهنگ هستند و تحلیل آنها نمی‌تواند براساس یک علم تجربی و در جست‌وجوی قوانین انجام گیرد، بلکه از طریق علم تفسیری و در جست‌وجوی معنی انجام می‌گیرد.^۵

برای تبیین چگونگی سرایت کنش دست دادن و همگانی و جهانی شدن این شیوه در دیدارهای افراد و تبادل معانی و احساسات به نظر می‌رسد رویکرد اشاعه‌گرایی^۶ از قابلیت بیشتری برخوردار باشد. براساس این رویکرد می‌توان گفت فرهنگ و از جمله خلیقیات و روحيات و آداب معاشرت از طریق انتشار و انتقال از یک جامعه به جامعه دیگر تحول می‌یابد. بنابراین، با روی آوردن یک واحد ملی و تمدنی به یک حوزه جغرافیایی و ملی دیگر بخشی از روحيات و خلیقیات آنها نیز منتقل می‌شود. تحولات فرهنگی-رفتاری و خلق و خویهای نوپدید گروه‌های اجتماعی را در ایران سده‌های اخیر می‌توان طبق نظریه اشاعه توضیح داد؛ اینکه چگونه با توسعه بازرگانی، رفت‌وآمدها و ارتباطات که از قرن نوزدهم آغاز شد، طرز تفکر و روحيات ایرانیان در عصر جدید متحول شد و در ابعادی گسترده‌تر، عمیق‌تر و پیچیده‌تر تداوم یافت.^۷

۱. نعمت‌الله فاضلی، تاریخ فرهنگی ایران مدرن (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳)، ص ۴۴.

۲. پیتر برک، تاریخ فرهنگی چیست؟ ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ (تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹)، مقدمه مترجمان، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۳۱.

۴. همان، ص ۷۰.

۵. ناصر فکوهی، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱)، ص ۲۵۶.

6. Diffusionism

۷. مقصود فرستخواه، ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقیات ایرانی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۴)، ص ۵۲.

نقطه عزیمت محوری این نظریه، تأمل در تغییرات فرهنگی از یک سو و توجه به شباهت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، پرسش اساسی این است که چرا پدیده‌های فرهنگی تغییر می‌کنند و به چه صورتی تغییر می‌کنند؟ اشاعه‌گرایی تغییر را عموماً ناشی از تأثیرپذیری از محیط بیرونی می‌داند که از خلال هم‌جواری یا انتقال، پدیده‌های فرهنگ مبدأ را به محیط مقصد می‌رساند. اشاعه‌گرایان کمتر به توانایی فرهنگ‌ها در کشف و ابداع باور دارند و بیشتر بر قابلیت آنها در تقلید و فرهنگ‌پذیری تأکید می‌کنند. بنابراین، پیش از آن که به سراغ قوانین زایش و تطور درونی پدیده‌های فرهنگی بروند، در جست‌وجوی قوانین حرکت و جابه‌جایی زمانی-مکانی این پدیده‌ها هستند. تاریخ و جغرافیا از ابعاد بسیار مهم رویکرد اشاعه‌گرایی هستند. پدیده‌ها از یک طرف در پهنه جغرافیا در حرکت‌اند و از طرف دیگر بر محور زمان قرار دارند که در این صورت حرکت از خلال تاریخ‌گذاری و تعیین عمر پدیده‌ها مشخص می‌گردد.^۱ اشاعه‌گرایی، با تأکید بر محدودیت ابداع‌ها، تماس و هم‌جواری فرهنگ‌ها را دلیل تغییر فرهنگی می‌داند.^۲ به سخن دیگر، در اشاعه‌گرایی به عامل خلاقیت و نیز تنوع فرهنگی جوامع کمتر توجه می‌شود و بیشتر تقلیدگری افراد و جوامع از یکدیگر مد نظر واقع می‌شود.

دست دادن در سنت فرهنگی اروپاییان

هرچند در جوامع اروپایی، از دوره باستان تا دوران جدید، دست دادن همواره امری شناخته‌شده و کمابیش معمول بوده، معنی و میزان تکرار آن متفاوت بوده است. مورخان اروپایی پیشینه دست دادن را به فرهنگ یونان نسبت می‌دهند. در سنگ‌برجسته‌ها و سنگ‌قبرهای یونانی دست دادن انسان‌ها با هم دیده می‌شود. هومر، در *ایلیاد* و *اودیسه*، دست دادن را در معنای اعتماد کردن برای اجرای تعهد به کار می‌برد. در جهان رومی دست دادن بیشتر معنی توافق صلح‌آمیز را تداعی می‌کرده است. براساس بسیاری از گزارش‌ها، در اروپای سده‌های میانه دست دادن با هدف انتقال نیات صلح‌آمیز در میان مردان مسلح رایج بوده است. آنها با جلو بردن کف دست راست مسلح نبودن خود را نشان می‌دادند.^۳ همچنین در بازرگانی و دادوستد دست دادن به معنای توافق در معامله یا پایبندی به تعهدات در بده‌بستان‌ها بوده است. همچنین دست دادن نشانه سوگند وفاداری بوده است.^۴

تا قرن نوزدهم هنوز دست دادن به‌مثابه یک نماد و کنش معمول و همگانی در محافل نخبگانی جامعه انگلستان رایج نبود. مطالعات عمیق هرمان رودنبورگ درباره کتابچه آداب معاشرت نخبگان آن زمان

۱. فکوهی، ص ۱۴۵.

۲. همان.

3. Bjmark Oxlund, "An Anthropology of the Handshake", *Anthropology Now*, 12:1 (2020), p. 39.

<https://doi.org/10.1080/19428200.2020.1761216>.

4. *Ibid*, p. 40.

نشان می‌دهد که آداب دست دادن در سال ۱۸۵۰م خارج از حوزه دوستی تلقی می‌شد. در این قرون در کشورهای مختلف اروپایی، از جمله هلند، تعظیم کردن و برداشتن کلاه در دیدارها نشانه احترام بین افراد بود. فرقه پیوریتن کوئیکر (Quaker) که عمدتاً در انگلستان، هلند و پنسیلوانیا طرفدارانی داشت، در ترویج دست دادن به‌عنوان نماد سلام و دوستی پیشگام بود. این فرقه پروتستانی که هدف خود را بازگشت به سادگی و بی‌آلایشی مسیحیت تعریف کرده بود، عملاً قواعد و آداب رایج احترام و معاشرت چون تعظیم را نقض کرد و دست دادن را به‌عنوان نماد دوستی و آداب شهروندی مطرح ساخت.^۱ اعضای این فرقه خواهان کنار گذاردن ساختار سلسله‌مراتبی جامعه و معاشرت برابانه با افراد بودند. گویا این گرایش واکنشی بود به وضعیت اجتماعی و ساختار سلسله‌مراتبی قرون ۱۶ و ۱۷ که نتیجه آن رشد انضباط حاکم بر بدن و رسمی بودن زیاد در رفتار و معاشرت بود.^۲ گمان می‌رود دست دادن ابتدا در انگلستان رایج شد، زیرا در فرانسه، در نیمه اول قرن نوزدهم، دست دادن پدیده جدیدی بود. به دنبال آن در روسیه و دیگر کشورهای اروپایی نیز دست دادن معمول شد. برای نمونه تورگنیف در کتاب پسران و پدران در سال ۱۸۵۹م می‌نویسد که پاول پتروویچ انگلوفیل به شیوه اروپایی دست می‌دهد. در ابتدای قرن بیستم دست دادن به‌عنوان رسمی جدید تا دربار چین هم رسوخ کرد.^۳ بدین ترتیب، دست دادن به نماد و رسمی مهم در تعامل و معاشرت انسان‌ها در دوران کنونی تبدیل شد.

دست دادن در پیشینه تاریخی جامعه ایران

در سنت تاریخی و فرهنگی سرزمین ایران، دست دادن هرچند امری کمابیش شناخته شده بود، شیوع و کاربرد امروزی را نداشت. هرودت درباره آداب و رسوم ایرانیان باستان موقع دیدار همدیگر می‌نویسد که اگر هم طبقه باشند لب‌های یکدیگر را می‌بوسند و اگر کسی از نظر طبقه اندکی پایین‌تر باشد گونه‌اش را برای گرفتن بوسه جلو می‌برد. فرودستان نیز در مقابل بزرگان کرنش می‌کنند.^۴ هرودت و دیگر مورخین یونانی اشاره‌ای به دست دادن ایرانیان به هنگام دیدار با یکدیگر ندارند و آن را جزئی از آداب معاشرت ایرانیان نمی‌دانند. از این گزارش‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که دست دادن در ایران باستان رواج نداشته است.

در ایران دوره اسلامی نیز در منابع دینی، ادبی و تاریخی از سنت دست دادن با عنوان «مصافحه» یاد شده است. مصافحه بیشتر سنتی دینی بود که در بین علما و بزرگان دین رواج داشت. علامه محمدباقر مجلسی مصافحه را به معنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه را به معنای دست در گردن یکدیگر افکندن دانسته

1. J. N. Bremmer and H. Roodenburg, *A cultural history of gesture* (Holand: university of Groningen, 1991), p. 153.

2. Ibid, p. 177.

3. Ibid.

۴. هرودت، تاریخ هرودت، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۹)، ص ۱۶۴.

و هر دو را از سنت‌های دینی مسلمانان و عملی ثواب تلقی کرده است.^۱ علاوه بر این، در منابع اسلامی احادیثی در مورد ارزش مصافحه روایت شده است. برای مثال امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنهایی است که در راه خدا جهاد می‌کنند.»^۲ باز در حدیثی دیگر می‌فرماید: «هر دو نفر مؤمنی که با هم دست بدهند، دست خدا میان دست آنان است و دست محبت الهی بیشتر با کسی است که طرف مقابل را بیشتر دوست بدارد.»^۳ نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که دو برادر دینی به هم می‌رسند و با هم دست می‌دهند، خداوند با نظر رحمت به آنان می‌نگرد و گناهانشان آن‌سان که برگ درختان می‌ریزد، فرو می‌ریزد تا آنکه آن دو از هم جدا شوند.»^۴

با وجود این، در جامعه ایران بعد از اسلام، دست دادن معانی و دلالت‌های دیگری نیز داشته است. در برخی از منابع از دست دادن در معنای ادای احترام و اظهار دوستی یاد شده است. هنگامی که هم‌ام‌الدین تبریزی فهمید فردی که با وی در حمام صحبت می‌کند شیخ مصلح‌الدین سعدی است، با وی دست داد و مصافحه کرد. شیخ را به خانه برد و پسر خویش را به او سپرد تا تربیت نماید.^۵

براساس روایت‌های تاریخی، در بین حکام، بزرگان و اکابر ایرانی نیز دست دادن به نشانه احترام وافر در دیدارها رواج داشته است: «سلطان بایزید از سمند خوش‌رفتار به زیر آمده با شاه دین‌پناه [شاه‌تهماسب] مصافحه نمود. آن‌گاه به اتفاق به درگاه درآمدند و در جنب یکدیگر نشستند.»^۶ همچنین روملو روایت می‌کند که یکی از علمای عصر شاه‌تهماسب، «امیر غیاث‌الدین منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی، از روی جامعیت حکمت علمی و عملی، ثالث معلمین بود... جناب میرزا مرض آتشک محترز بودند و از آن جهت از جمیع اهل عالم متنفر گشته بود و دست به دست هیچ فردی از افراد انسانی نمی‌رساند به ملاحظه آنکه مبدا آتشک داشته باشد. اگر گاهی اراده مصافحه به اکابر و اعالی نمودی دست بر آستین کشیده مصافحه کردی.»^۷ در موردی دیگر آمده: «حضرت شهریار (آقا محمدخان)، نواب حسینقلی‌خان برادرزاده ارجمند خود را برای احترام نواب شاهرخ به استقبال مأمور فرمود و قدغن نمود که اگر جناب میرزا مهدی بر شاهرخ مقدم است برای رضای رسول خدا (ص) از اسب پیاده شده، با او مصافحه کند و اگر شاهرخ مقدم است چون به او رسید، سواره با او مصافحه کنند.»^۸

در بعضی مواقع، دست دادن نماد اظهار لطف شاه یا بزرگی در حق زیردستان بوده است: «چون برمک

۱. محمدباقر مجلسی، *حلیه المتقین* (بی‌جا: انتشارات اسلامی، بی‌تا)، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۲۴۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۲ (قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵)، ص ۱۷۹.

۴. همان، ص ۱۸۳.

۵. محمدکاظم بن محمد اسرار تبریزی، *منظر الاولیاء* (در مزارات تبریز و حومه)، (تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸)، ص ۲۳۲.

۶. حسن روملو، *احسن التواریخ*، ج ۳ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۱۴۱۵.

۷. همان، ص ۱۲۸۲.

۸. حسن بن حسن فسایی، *فارسنامه ناصری*، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۶۶۳.

پیش سلیمان [بن عبدالملک] آمد او را دست داد. از رنج راه پیرسید و بسیار نیکویی گفت.»^۱ «انوری را خدایگان جهان پیش خود خواند و دست داد و نشست.»^۲

علاوه بر این، دست دادن نمادی برای نشان دادن وفاداری و تجدید بیعت بوده است: «از راه عقیدت و اخلاص پیش آمده با ایشان مصافحه نمود و به تجدید، یک‌جهتی و دولت‌خواهی و سربازی و جان‌سپاری خود را به منصبه ظهور رسانید.»^۳ در مواردی هم نمادی از مرید شدن و دست در دست هم نهادن به نشانه عهد و پیمان و بیعت و قبول و رضایتمندی بوده است. همچنین دست دادن به معنی رضا دادن به کاری یا پیروی از کسی بوده است: «دست‌های راست دادند دست دادنی از روی رضا و رغبت.»^۴ در تاریخ بیهقی آمده است: «گفت دست مرا ده و عهد کن. دست بدو دادم و پیمان کردم. دستم نیک بفشرد.»^۵ بنابراین، دست دادن، به‌جز بیعت، نماد پیمان بستن و تعهد بوده است.

در برخی از منابع از دست دادن عروس و داماد در پیمان ازدواج سخن گفته شده است: «زمانی که خاقان مرحوم مهد علیای دوم را به ولیعهد مبرور دست به دست می‌دادند، فرموده بودند این وصلت به وصیت و فرموده شاهنشاه شهید است.»^۶

در بعضی دوره‌ها، دست دادن به‌عنوان نمادی برای خداحافظی در بین ایرانیان مرسوم بوده است: «برادر کلان چند قدمی که راند برگشت، گفت: ما دستوری داریم که کسی را که گسیل می‌کنیم مصافحه می‌کنیم. دست در بغل درآورد و کاغذ درهم‌پیچیده‌ای در کف دست من نهاد و برادر میانه و خرد نیز بر همین اسلوب برادر و شاگرد را مصافحه کردند.»^۷ در بیانی دیگر، دست دادن و دست خود را در دست دیگری گذاشتن و فشردن علامت سلام و دوستی بوده است. دست دادن در معنی اظهار عشق و دلدادگی نیز به کار رفته است. صاحب‌آندراج گوید: «بعضی از بزرگان چون می‌خواهند که تفرجی بکنند یا راهی بروند کسی را که مقرب بلکه همسر خویش می‌دانند دست بر دستش گذاشته راه می‌روند یا آنکه دست خود را به دست او داده که تو دستگیر من شو و شرم دست گرفتن نگه‌دار.»^۸ به علاوه، دست دادن نمادی برای دادوستد، توافق در معاملات و بیع دادن بوده است.

از این تفاسیر معلوم می‌شود در گذشته دست دادن و مصافحه مرسوم بوده است، ولیکن به نظر می‌رسد با آن نوع دست دادن که بعدها در دوره قاجاریه به تقلید از فرهنگ اروپایی به بخشی از آداب معاشرت

۱. <https://www.vajehyab.com/dehkhoda>، ذیل «دست دادن»

۲. همان.

۳. محمد یوسف واله اصفهانی، *کلد برین* (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲)، ص ۸۴.

۴. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، *تاریخ بیهقی*، شرح خلیل خطیب رهبر، ج ۲ (تهران: نشر مهتاب، ۱۴۰۱)، ص ۵۶۱.

۵. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، *تاریخ بیهقی*، شرح خلیل خطیب رهبر، ج ۲ (تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۶)، ص ۳۱۵.

۶. احمد میرزا قاجار، *تاریخ عضدی* (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۴۹.

۷. محمود بن عبدالجلیل واصفی، *بدایع الوقایع*، ج ۲ (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۳۴۲.

۸. همان.

ایرانیان مبدل می‌شود و امروزه نیز به شکل گسترده در جامعه ایرانی رواج دارد، متفاوت بوده است.

شیوه احوال‌پرسی و کنش دیداری ایرانیان در دوره قاجار

در فرهنگ ایرانیان، دست دادن در مناسبت‌ها و موقعیت‌های خاص رایج بود، اما در دیدارها و احوال‌پرسی‌ها و موارد دیگر شایع و همگانی نبود. در نوشته‌های تاریخی اشاره‌ای به دست دادن ایرانیان در مهمانی‌ها و دیدارها نشده است. برای نمونه شاردن آداب و رسوم احوال‌پرسی و مهمانی ایرانیان را در عصر صفویه با جزئیات تمام شرح می‌دهد، اما به دست دادن در دیدارها و مهمانی‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. او در مورد آداب دید و بازدید ایرانیان می‌نویسد:

هنگام دیدار و پذیرایی از افراد هم‌شأن و هم‌طبقه خود یا آنان که شخصیت و پایه برتر دارند تعارفات و احترامات بیشتر به جا می‌آورند. وقتی که وارد می‌شوند به آنان خوشامد می‌گویند و پیش از آنها نمی‌نشینند و آن‌گاه که مجلس به پایان می‌رسد، پس از همه از در بیرون می‌روند... وقتی کسی به بازدید شخصیت بزرگی که در تالار خانه‌اش آماده پذیرایی نشسته می‌رود رسم بر این است که آرام و بی‌صدا وارد اتاق می‌شود، در اولین جای خالی بر پا می‌ایستد، پاهایش را کنار هم جفت می‌کند، دست به سینه می‌ایستد، سرش را اندکی پایین می‌گیرد، نگاهش را مترصد اجازه نشستن می‌کند و همین‌که با اشاره دست و سر چنین اجازه‌ای به او داده شد می‌نشیند. اما اگر بزرگ‌تری به دیدن کسی رفت صاحب‌خانه به محض دیدن وی از جا برمی‌خیزد، به سوی وی پیش می‌رود و چنین می‌نماید که به پیشبازش روان شده است. در موقع ورود افراد هم‌مقام صاحب‌خانه نیم‌بلند می‌شود و اگر مادونی درخور احترام بر او وارد شود فقط از جای خود می‌جنبد و چنان می‌نماید که قصد برخاستن داشته است. حاضران در مجلس هنگام ورود کسی به تالار نباید از جای خود برخیزند مگر آنکه صاحب‌خانه به احترام وی از جا بلند شود، یا سبب خاصی برخاستن ایشان را ایجاب کند.^۱

این شیوه احوال‌پرسی تا اواسط دوران قاجاریه تداوم داشته است. سفرنامه گاسپار درویل از حیث توجه به فرهنگ و زندگی و جزئیات آداب و رسوم ایرانی اهمیت فراوان دارد. درویل که به همراه هیئت ژنرال گاردان برای تعلیمات نظامی مستشاری به ایران می‌آید و در سال‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۳ م در ایران حضور دارد، درباره آداب احوال‌پرسی ایرانیان با جزئیات تمام توضیح می‌دهد، اما هیچ اشاره‌ای به دست دادن بین آنها نمی‌کند: «وقتی یکی از ایرانیان وارد مجلسی می‌شود با تبخیر تمام سلام‌علیکم می‌گوید و سپس

۱. ژان شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲ (تهران: توس، ۱۳۷۲)، ص ۷۶۹.

به چپ و راست و تنها با سر تعظیم می‌کند و صاحب‌خانه مهمان را با خوش‌آمدید استقبال می‌کند.^۱ بنجامین نیز روایت مشابهی نقل می‌کند و از دست دادن میزبان و مهمان صحبتی به میان نمی‌آورد.^۲ براساس گزارش پولاک، در دیدار نوروزی و تحویل سال در دربار که سلام نوروزی منعقد می‌شد، دست دادن معمول نبود و شاه با کسی دست نمی‌داد. حاضران در مراسم سلام که اغلب رجال و اشراف و دیوانیان بودند، دست‌های خود را گود و عیدی دریافت می‌کردند و سپس به علامت سپاس دستان خود را به قلب و پیشانی می‌فشرده.^۳ یکی دیگر از گردشگران اروپایی که ویژگی‌های آداب و معاشرت ایرانیان را با دقت تمام شرح داده، هنری موزر است. این فرد سوئیسی که به استخدام دولت روسیه درآمده بود، با ریزینی تمام مناطق آسیای میانه و ایران را در عصر ناصری سیاحت و در سفرنامه خود گزارش کرده است. وی مراسم بار یافتن به حضور شاه را در تهران به روشنی توضیح داده است: «ما به اتفاق وزیر امور خارجه از سالون عبور کرده و سه مرتبه تعظیم معمولی را به جای آوردیم و سپس من در پهلوی نماینده دولت روسیه نشستیم.»^۴ بنجامین، سفیر مختار امریکا، نیز در بار یافتن به حضور ناصرالدین شاه تنها می‌گوید که در برابر شاه تعظیم کرده و سر فرود آورده است.^۵

عزیزالسلطان ملیجک ثانی در شرح خاطرات روزانه خود در زمان مظفرالدین شاه در روز شنبه ۲۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۰ق می‌نویسد: «سوار شدم رفتم درب خانه. توی اتاق شاه رسیدم. خیلی شلوغ بود. تعظیم کردم.»^۶ در خاطرات روزانه پنجم رمضان ۱۳۲۰ نیز شیوه دیدارش مشابه است: «رفتم درب اندرون پیاده شدم. شاه رسیدند. تعظیم کردم.»^۷ در مواقع مهم نیز که به حضور شاه رسیده، ذکری از دست دادن با شاه نکرده، بلکه اذعان می‌دارد که پای شاه را بوسیده است. برای نمونه در دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۳ می‌نویسد: «بدرقه سفر فرنگ شاه رفتم تا مهرآباد. پای مبارک مقدس شاهانه را بوسیدم.»^۸ در برگشت شاه از فرنگ نیز تنها به بوسیدن پای شاه اشاره کرده است.^۹

با وجود این، در برخی از منابع دوره قاجاریه از دست دادن و مصافحه ایرانیان در عید نوروز صحبت شده است، ناصرالدین شاه در خاطراتش می‌نویسد: «بعد رفتیم سر درب شمس‌العماره، امین‌السلطان بود. صحبت کردیم. بعد تماشای کوچه را کردیم. مردم رخت نو پوشیده با هم مصافحه می‌کردند.»^{۱۰} پولاک

۱. گاسپار دروویل، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی (تهران: انتشارات نیک‌فرجام، ۱۳۸۸)، ص ۹۲.

۲. ج. و. بنجامین، ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردیچه (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲)، ص ۸۰.

۳. ادوارد یاکوب پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۸۸)، ص ۲۵۷.

۴. هنری موزر، سفرنامه ترکستان و ایران، ترجمه علی مترجم (تهران: انتشارات سحر، ۲۵۳۶)، ص ۲۵۵.

۵. بنجامین، ص ۱۵۰.

۶. غلامعلی خان عزیزالسلطان (ملیجک ثانی)، روزنامه خاطرات، به کوشش محسن میرزایی، ج ۱ (تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۷۶)، ص ۳۱۶.

۷. همان، ص ۳۳۳.

۸. همان، ص ۷۶۷.

۹. همان، ص ۸۲۰.

۱۰. ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۱)، ص ۲۲.

در شرح مراسم نوروز ایرانیان عصر ناصری می نویسد:

در نوروز که جشن بزرگ و عمومی همه ملت به شمار می رود، از صبح خیلی زود جمعیت در تمام کوچه ها و میدان های عمومی در جنب و جوش است. همه جامه نو در بردارند. آشنایانی که با هم روبه رو می شوند دست یکدیگر را می فشارند و با فریاد «عید مبارک» همدیگر را در آغوش می کشند. کسی که زیر دست است در حالی که با دو دست خود یک دست ارباب یا حامی اش را در دست می گیرد تبریک می گوید و جواب تبریکش را می گیرد.^۱

رواج دست دادن به سبک فرنگی

از منظر اشاعه گرایی، دوران سلطنت ناصرالدین شاه عصر نفوذ و رواج بی سابقه مظاهر و فرهنگ تمدن غربی در مقایسه با سال ها و دهه های گذشته است. بی تردید مسافرت های شاه به اروپا در این باب تأثیر گذار بود. خود شاه در آوردن مظاهر تجدد به کشور جرئت زیادی به خرج می داد.^۲ رواج لباس و یونیفورم، میز و صندلی، شیرینی، غذا و نوشیدنی های فرنگی، ایجاد صنایع و کارخانجات، رواج علوم فرنگی، چراغ برق، ورزش و ساز و رقص های فرنگی، انتشار روزنامه و کتب و بسیاری موارد دیگر در واقع نشانه قدم گذاردن در راه مدرنیزاسیون و عرفی گرایی بود. بنابراین، تمدن فرنگی نه تنها از طریق ساخت کارخانه و ورزش و غذا خوردن بلکه از لحاظ فکری و فرهنگی نیز با تأسیس فراموش خانه، نشر روزنامه و علوم جدید، ساخت مدارس غربی چون دارالفنون و نظام جدید، ایجاد دارالشوری، بانک، بریگاد قزاق، پلیس و غیره به تدریج در ساختار سیاسی، نظامی، اجتماعی، دیوانی و فرهنگی ایران رخنه کرد.^۳ از نوشته های اعتمادالسلطنه برمی آید که در این عصر فرهنگ و رفتار اجتماعی نیز تحت تأثیر آورده های فرنگ قرار داشت. چنانچه اعتمادالسلطنه از عواقب آن نگرانی و تشویش دارد: «فرنگی بازی عقاید را سست کرده و نمی داند این از برای ملت و دولت ایران خوب است یا بد؟»^۴

فرنگی بازی و فرنگی مآبی اصطلاحاتی هستند که در متون تاریخی و فرهنگی این عصر بسیار تکرار می شوند. در نوشته های عین السلطنه نموده های زیادی از فرنگی مآبی و رسوخ فرهنگ و آداب فرنگی دیده می شود. از جمله در خاطرات سال ۱۳۰۶ ق او آمده است: «در منزل نایب السلطنه کامران میرزا شام فرنگی خورده شد.»^۵ رسم «کرت» یا کارت گذاشتن برای دعوت یا خداحافظی^۶، تربیت فرزندان به

۱. پولاک، ص ۲۵۸.

۲. عباس امانت، *قبیله عالم؛ ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران*، ترجمه حسن کامشاد (تهران: نشر کارنامه مهرگان، ۱۳۸۳)، ص ۵۳۹.

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۲ (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹)، ص ۱۲۶ و ۶۹۷.

۴. همان، ص ۹۷۱.

۵. قهرمان میرزا عین السلطنه سالور، *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۲۵۱.

۶. اعتمادالسلطنه، ص ۳۳۰.

شیوهٔ فرنگ^۱، ساختن خانه‌ها به سبک فرنگی و طراحی هال در آن^۲، مهمانی دادن به سبک فرنگی^۳ و بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگ و آداب فرنگی در این عصر دیده می‌شود، به طوری که عین‌السلطنه از زیاد شدن تعداد فرنگی‌ها در تهران دچار تشویش می‌شود و با نگاهی انتقادی می‌نویسد: «رونق بازارها و مساجد افتاد، خداوند عمری دهد سال آینده شورش بیش از امسال خواهد بود و فرنگی‌مآبی زیادتر خواهد بود.»^۴ در فرنگی‌مآبی گاه خود شاه گوی سبقت را از دیگران می‌ربود: «شاه پس از آنکه از سفر فرنگ آمده غذا را سر میز به سبک فرنگی‌ها می‌خورد، لیکن خیال دارد که دوباره به سبک ایران برگرداند.»^۵ شاه در سفرهای خارجی به فرنگ و روس، به شیوهٔ فرنگی با امپراتورها و امپراتریس‌ها و برخی افراد دیگر دست می‌دهد و در واقع می‌توان گفت در این سفرها با این رسم آشنا می‌شود و آن را تمرین می‌کند. مسلماً این کنش برای او تازگی و اهمیت داشته است. چنانکه در خاطراتش از آن با تأکید یاد می‌کند: «با اعلیحضرت امپراتور [روس] دست دادیم، تعارف کردیم و با ایشان از جلو صف قشونی که حاضر در گارد بودند گذشتیم و اعلیحضرت امپراتور آنها را معرفی نمود. بعد نواب ولیعهد و شاهزادگان و پسرهای امپراتور و تمام خانوادهٔ سلطنت روس را که با اعلیحضرت امپراتور آمده بودند، معرفی نمودند. با همه دست دادیم و تعارف کردیم.» در جای دیگری باز می‌نویسد: «در ساعت نه چیزی هم بالاتر امپراتور و امپراتریس وارد طالار بزرگ ما شده با هم از اطاق خودمان بیرون آمده با امپراتور دست دادیم، با امپراتریس [هم دست] دادیم.»^۶ به نظر می‌رسد دست دادن کنشی مهم و غیرمعمول در نظر شاه بوده که با تأکید آن را در خاطراتش نگاشته است. در طی سفر به انگلستان هم در دیدارهای رسمی به آن اشارهٔ خاص دارد: بعد از اندکی توقف سوار کالسکه شده سر درومندولف و امین‌السلطان هم پیش من نشستند. باز اطراف راه جمعیت زیادی ایستاده بودند هورا می‌کشیدند. اندکی نگذشت که به عمارت بیلاقی لرد سالزبوری رسیدیم. خودش جلو راه ایستاده بود. ما پیاده شدیم با او دست دادیم و به اتفاق سوار کالسکه شده راندم. درب عمارت و باغ خیلی جای باصفایی است. از کالسکه بیرون آمدیم. زوجهٔ لرد سالزبوری در باغ حاضر بود. با او دست دادیم. بعد زوجهٔ نواب ولیعهد ملاقات شدند. با ایشان هم دست دادیم و وارد باغ شدیم.^۷

در خاطرات سفر او به آلمان هم آمده است: «امپراتور آلمان سواره پیش آمد. با هم در کالسکه ایستاده

۱. همان، ص ۸۶۳.

۲. همان، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۷۳۹.

۴. عین‌السلطنه، ص ۳۷۵.

۵. عبدالحسین سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۱ (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۶)، ص ۵۳۵.

۶. ناصرالدین شاه، روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (تهران: رسا، ۱۳۷۱)، ص ۱۵۳ و ۵۹.

۷. همان، ص ۲۲۷.

دست دادیم. تعارف کردیم. بعد رفتیم در نقطه [ای] که وسط میدان بود ایستادیم. فوج حرکت کرد.»^۱ همچنین در سفرنامه عزالدوله، برادر ناصرالدین شاه که در معیت شاه به اروپا سفر می‌کند، به رسم دست دادن در معاشرت‌ها و دیدارها تأکید شده و این کنش به نحو مشخصی برجسته شده است. او در بازدید از آلمان می‌نویسد: «در آنجا محض ورود، قبله عالم همراهان را معرفی فرمودند و با پادشاه دست دادم.»^۲ در سفرنامه او به روسیه در سال ۱۳۰۰ق و ملاقات‌های وی با امپراتور و مقامات روسیه تزاری نیز به نحو بارزی به دست دادن با آنها اشاره شده است: «در ساعت شش به کاخ کرملین به مهمانی اعلیحضرت رفتیم. در اتاق اول که مخصوص شاهزادگان بود، حاضر شده و با اغلب شاهزادگان دست داده صحبت کردیم. تا اعلیحضرت امپراتور تشریف آوردند. امپراتریس هم با اعلیحضرت یک مرتبه داخل شدند. با همه دست دادند و اظهار محبت فرمودند.»^۳ عزالدوله می‌نویسد در موقع خداحافظی هم امپراتور دست داد: «اعلیحضرت امپراتور و امپراتریس دست داده وداع فرمودند.»^۴ عزالدوله در اثر خود به کرات به دست دادن با مقامات روسیه اشاره کرده است.^۵ به نظر می‌رسد این تأکید بر دست دادن به معنای مورد لطف امپراتور قرار گرفتن و نشان دادن تمایزهایی است که در ایران آن روزگار هنوز معمول نبوده است. دست دادن عزالدوله با امپراتور روس تا حدی در خور توجه بوده که طاهرخان افتخار مقدم که در هیئت همراه عزالدوله حضور داشته، در سفرنامه خود بدان اشاره کرده است: «امپراتور با حضرت والا دست داده و احوال‌پرسی کرد.»^۶ به نظر می‌رسد روسیه، به دلیل نزدیکی سرزمینی با ایران و نیز مراودات سیاسی و بازرگانی زیادی که بین ایران و این کشور در عصر قاجار وجود داشت، در اشاعه آداب دست دادن در مقامات ایرانی نقش بارزی داشته است.

اعتمادالسلطنه در خاطراتش می‌آورد: «نایب‌السلطنه [کامران میرزا] به سبک فرنگیان دستی به من داد. من هم دستشان بوسیدم.»^۷ در موردی دیگر می‌نویسد: «وزیر اعظم (امین‌السلطان) به من تفقدی کرد و به سبک فرنگی‌ها دستی داد.»^۸ در موردی دیگر می‌نویسد: «بعد عزیزالسلطان را جلو خواستند و به قاعده فرنگی دست به او دادند.»^۹ همه موارد فوق از رواج کنشی جدید خبر می‌دهند، کنشی که البته تا آن زمان سابقه نداشته است.

۱. همان، ص ۲۲۲.

۲. عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله، سفرنامه عبدالصمد میرزا سالور به اروپا، به کوشش مسعود سالور (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۴)، ص ۲۲۰.

۳. همان، ص ۳۱۰.

۴. همان، ص ۳۱۴.

۵. همان، ص ۳۱۵-۳۱۸ و ۳۲۹ و ۳۴۹.

۶. افتخار نظام، سفرنامه، به کوشش مسعود سالور (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۴)، ص ۳۶۸.

۷. اعتمادالسلطنه، ص ۲۷۰.

۸. همان، ص ۸۳۰.

۹. همان، ص ۸۶۸.

عین‌السلطنه در خاطرات خود از روزگار ناصرالدین شاه، که از منظر زمانی، موضوعی و محتوایی نزدیکی زیادی به خاطرات اعتمادالسلطنه دارد، به رواج دست دادن به سبک فرنگی اشاراتی کرده است. از جمله در سال ۱۳۰۸ ق می‌نویسد: «عصر به خانه شارژدافر انگلیس رفتیم، به تماشای کریس موس تری (درخت کریسمس)، داخل اتاق مزین شدیم. امین‌السلطان و مشیرالدوله و پسر مشیرالدوله بودند. با مستر کندی دست داده و با خانم دست داده، خدمت امین‌السلطان رفتیم. با ایشان هم به رسم فرنگی‌ها دست دادیم.»^۱ در خاطرات سال ۱۳۰۷ ق آورده است: «در منزل شارژدافر انگلیس من شخصی فرنگی دیدم که کلاه‌های شبیه به کلاه‌های ایرانی بر سر گذاشته به او دست دادم... وی نواب شیرازی بود که فرنگی مآب شده و به طریقه آنها لباس پوشیده و حرف می‌زند.»^۲ از موارد فوق چنین برداشت می‌شود که دست دادن نماد فرنگی‌مآبی، اروپایی‌گری و به عبارتی مدرن شدن محسوب می‌شده است. به نظر می‌رسد دست دادن در دیدارهای دیپلماتیک در اواخر قاجار عمومیت بسیار یافته باشد. عبدالله مستوفی در شرح سفر انگلستان می‌نویسد:

همین که به هتل برگشتیم، ژنرال اسلید به سفیر کبیر گفت الآن یک مساز (پیام) خاصی از طرف اعلیحضرت پادشاه برای جناب عالی خواهد رسید. حامل آن هم لرد شامبلان (پیشخدمت‌باشی شاه) است. ما تازه لباس رسمی را کنده لباس عادی را پوشیده و در سالن عمومی سفارت جمع شده بودیم که لرد شامبلان جوان بسیار خوش قامت و برازنده زیبا وارد شد. مشیرالملک تمام قامت برخاست و روبه‌روی پیام‌آور شاه ایستاد، به هم دست دادند، با هم نشستند، ما ایستاده و دایره دور آنها ساخته بودیم.^۳

نتیجه‌گیری

از وظایف مهم تاریخ فرهنگی مطالعه تغییرات اجتماعی-فرهنگی سریع و فزاینده است که مورخان و جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان این تغییرات را در طول زمان و به صورت تاریخمند بررسی می‌کنند. یکی از این موارد که با تغییر در شیوه و دلالت‌های معنایی و دامنه تکرار به نماد مهمی برای معاشرت و تبادل احساسات انسانی در جامعه ایرانی تبدیل شده، دست دادن است. امروزه دست دادن عمدتاً جایگاه طبقاتی، احساسات متقابل، سبک زندگی و روحیات فردی و اجتماعی مردمان را بازنمایی می‌کند و به کنشی مهم در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی تبدیل شده است. این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش صورت گرفت که دست دادن به‌عنوان نمادی از احوال‌پرسی و تعاملات انسانی ایرانیان به شیوه مدرن از چه زمانی مطرح شد و چه دلالت‌هایی را به همراه آورد؟ نتایج پژوهش

۱. عین‌السلطنه، ص ۳۳۱.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲ (تهران: زوار، ۱۳۸۴)، ص ۱۹۵.

با مراجعه به متون تاریخی، ادبی و شخصی ایرانیان چنین نشان می‌دهد که دست دادن در دوران ماقبل مدرن ایرانیان کنشی با دلالت‌های مفهومی خاص بوده است. دست دادن یا مصافحه نماد عشق و دلدادگی، احترام، عهد و پیمان و خداحافظی محسوب می‌شد، اما این کنش در مواقع خاص و مهم عمدتاً کنشی نخبگانی بود و به‌عنوان امری معمول و با دامنه تکرار زیاد دیده نمی‌شد. به دنبال تعاملات فرهنگی با اروپاییان و رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی، دست دادن از عهد ناصری به‌عنوان سبک و قاعده‌ای فرنگی در ایران رواج یافت. این کنش ابتدا در بین نخبگان دولتی و سپس در بین عامه مردم به تدریج هویدا شد و در شیوه و کیفیت دست دادن و دلالت‌های مفهومی و معنایی آن دگرگونی‌های مهمی رخ داد. در معنا و کنش جدید، دست دادن به کنشی عام تبدیل شد و از موقعیت و اشخاص و مناسبت‌های خاص به سطح اجتماعی عام‌تری راه یافت. تا پیش از آن در دست دادن از هر دو دست استفاده می‌شد، اما در این زمان دیگر تنها با دست راست دست داده می‌شد. دامنه معانی خاص و محدود آن بسیار گسترش یافت و سطح وسیعی از معانی و مفاهیم را دربرگرفت. این کنش در واقع نشان می‌داد که ساختار سلسله‌مراتبی جامعه رو به دگرگونی است و فاصله مراتب و طبقات از منظر اجتماعی و ذهنی فرسوده شده است. نماد دست دادن در واقع نشانگر مدرن شدن، اروپایی شدن، امروزی شدن یا به عبارت مرسوم «فرنگی‌مآب» شدن افرادی بود که با این کنش می‌خواستند نشان دهند از جهان سنت گذاشته و وارد جهان مدرن شده‌اند. در واقع این نماد اروپایی‌گرایانه طلیعه جریان فرهنگی جدیدی در جامعه ایرانی بود که توانست در جریان فرهنگی نسبتاً یکپارچه سنتی شکافی پدیدار سازد، شکافی که تا به امروز همچنان جامعه را به دو جریان کلان غرب‌گرا و سنت‌گرا تقسیم کرده است.

کتابنامه

- احمد میرزا قاجار. تاریخ عضدی. بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- اسرار تبریزی، محمد کاظم بن محمد. منظر الاولیاء (در مزارات تبریز و حومه)، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- افتخار نظام. سفرنامه، به کوشش مسعود سالور، تهران: نشر نامک، ۱۳۷۴.
- امانت، عباس. قبله عالم؛ ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه مهرگان، ۱۳۸۳.
- برک، پیتر. تاریخ فرهنگی چیست؟ ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۸۹۱۳.
- بنجامین، س. ج. و. ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. تاریخ بیهقی، ج ۲، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۶.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. تاریخ بیهقی، شرح خلیل خطیب رهبر، ج ۲، تهران: نشر مهتاب، ۱۴۰۱.

- پولاک، ادوارد یاکوب. *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- پیس، آلن و پیس، باربارا. چگونه با زبان بدن حرف می‌زنیم؟ ترجمه آذر محمودی و محسن جده دوستان، تهران: نشر اشاره، ۳۸۲۱.
- دروویل، گاسپار. *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران: انتشارات نیک‌فرجام، ۱۳۸۸.
- روملو، حسن. *احسن التواریخ*، ج ۳، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- سپهر، عبدالحسین. *مرآت الوقایع مظفری*، ج ۱، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- شاردن، ژان. *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۲.
- عزالدوله، عبدالصمد میرزا سالور. *سفرنامه عبدالصمد میرزا سالور به اروپا*، به کوشش مسعود سالور، تهران: نشر نامک، ۱۳۷۴.
- عزیزالسلطان (ملیحک ثانی)، غلامعلی خان. *روزنامه خاطرات*، به کوشش محسن میرزایی، ج ۱، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۷۶.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- فاضلی، نعمت‌الله. *تاریخ فرهنگی ایران مدرن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.
- فراستخواه، مقصود. *ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی*، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
- فسایی، حسن بن حسن. *فارسنامه ناصری*، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- فکوهی، ناصر. *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نی، ۱۳۸۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب. *اصول کافی*، ج ۲، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمدباقر. *حلیه المتقین*، بی‌جا: انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- مستوفی، عبدالله. *شرح زندگانی من*، ج ۲، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- موزر، هنری. *سفرنامه ترکستان و ایران*، ترجمه علی مترجم، تهران: انتشارات سحر، ۲۵۳۶.
- ناصرالدین شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*، تهران: رسا، ۱۳۷۱.
- واصفی، محمود بن عبدالجلیل. *بدایع الوقایع*، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. *خلد برین*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
- ودایع، پویا. *مهندسی زبان بدن*. تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۳.
- هرودت. *تاریخ هرودت*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹.

Bremmer, J. N. and Roodenburg, H. *A cultural history of gesture*, Holand: university of Groningen, 1991.

Givens, D. B. *Nonverbal dictionary of gestures, signs and body language cues*, Washington: Center for Nonverbal Studies Press, 2002.

<https://www.vajehyab.com/dekhoda>

Oxland, Bjmark, "An Anthropology of the Handshake", *Anthropology Now*, 12:1, 2020, pp. 39-44 (<https://doi.org/10.1080/19428200.2020.1761216>).